

Structural and Thematic Analysis of Sasanian Didactic Literature and Its Role
in Shaping Contemporary Ethical-Political Discourse

Suleiman Eskandari Rad¹

Received: 13 June 2025

Reception: 15 October 2025

Abstract:

The tradition of Andarz-writing (didactic literature), standing as one of the principal pillars of ancient Iranian instructional literature, reached its zenith during the Sasanian period, profoundly influencing the ethical and political literature of the Islamic era and continuing to resonate up to the contemporary age. This research undertakes an in-depth investigation into the historical foundations of Iran's modern ethical-political discourse through the lens of the Sasanian didactic literary legacy. The primary objective is to elucidate the mechanisms of penetration and continuity of the key structures and thematic concerns of Sasanian Andarz literature within the political and social literature of the present day. Relying on content analysis methodology coupled with a historical-sociological approach, the study documents essential components (such as the concepts of 'Royal Justice' (*Adālat-i Shāhāna*), the 'Reciprocal Duty of Ruler and Ruled', and the 'Regulation of Familial-State Affairs') found within Sasanian sources. Research findings indicate that these didactic texts were not merely prescriptive ethical manuals; rather, they functioned as instrumental documents in defining the boundaries of power and articulating political legitimacy. Comparative analysis reveals that many behavioral patterns expected from contemporary political actors are rooted in these very Sasanian precepts, including the emphasis on Shari'ah-based order and social organization under the sovereign's command. Ultimately, the article argues that a profound comprehension of this Sasanian heritage is indispensable for analyzing the ethical-social dynamics and grasping the historical roots of certain governance theories present in Iran's contemporary political discourse.

Keywords:

Sasanian Andarz Texts, Governance Ethics, Iranian Didactic Literature, Historical Continuity, Political Discourse

¹Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.491885.1156>

تحلیل ساختاری و محتوایی اندرزنامه‌های عصر ساسانی و نقش آن در شکل‌گیری گفتمان اخلاقی - سیاسی دوره معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳

سلیمان اسکندری راد 

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

چکیده

سنت اندرزنامه‌نویسی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ادبیات تعلیمی ایران باستان، در دوره ساسانی به اوج شکوفایی رسید و تأثیرات عمیقی بر ادبیات اخلاقی و سیاسی دوره اسلامی تا عصر حاضر نهاد. این پژوهش به واکاوی بنیادهای تاریخی گفتمان اخلاقی - سیاسی معاصر ایران از منظر میراث ادبیات تعلیمی ساسانی می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین چگونگی نفوذ و تداوم ساختارها و مضامین کلیدی اندرزنامه‌های آن دوره در ادبیات سیاسی و اجتماعی دوران کنونی است. تحقیق با تکیه بر روش تحلیل محتوا و با رویکردی تاریخی-اجتماعی، مؤلفه‌های اصلی (همچون مفاهیم «عدالت شاهانه»، «وظیفه متقابل حاکم و محکوم»، و «تنظیم امور خانوادگی - دولتی») را در منابع ساسانی مستند می‌سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این اندرزنامه‌ها صرفاً متون اخلاقی صرف نبوده‌اند، بلکه به عنوان سند‌هایی کارکردی در تعیین حدود و ثغور قدرت و تبیین مشروعیت سیاسی عمل کرده‌اند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که بسیاری از الگوهای رفتاری مورد انتظار از کنشگران سیاسی در دوران معاصر، ریشه در همین آموزه‌های ساسانی دارند؛ از جمله تأکید بر نظم مبتنی بر شریعت و انتظام اجتماعی تحت امر حاکم. در نهایت، مقله استدلال می‌کند که درک عمیق این میراث ساسانی برای تحلیل پویایی‌های اخلاقی-اجتماعی و فهم ریشه‌های تاریخی برخی نظریه‌های حکمرانی در گفتمان سیاسی معاصر ایران ضروری است.

کلیدواژه: اندرزنامه‌های ساسانی، اخلاق حکمرانی، ادبیات تعلیمی ایران، تداوم تاریخی، گفتمان سیاسی.

مقدمه

اندرزنامه‌نویسی به عنوان یکی از کهن‌ترین و پربارترین سنت‌های ادبی و فکری در تمدن ایرانی، جایگاهی بی‌بدیل در انتقال مفاهیم اخلاقی، سیاسی و تربیتی در سراسر ادوار مختلف تاریخ ایران دارد. این سنت که ریشه در اعماق تاریخ ایران باستان دارد، در دوره ساسانی به اوج شکوفایی و نظام‌مندی رسید و توانست با خلق آثاری ماندگار، شالوده‌ای استوار برای اندیشه سیاسی و اخلاقی در ایران زمین پدید آورد. بررسی این متون نه تنها ما را با جهان‌بینی، ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه ایران در عصر ساسانی آشنا می‌سازد، بلکه نقش حیاتی آن‌ها را به عنوان حلقه اتصال دو دوره مهم تاریخ ایران، یعنی عصر باستان و دوران اسلامی، آشکار می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی اندرزنامه‌های عصر ساسانی و واکاوی میزان و چگونگی تأثیرگذاری این متون بر اندرزنامه‌های دوره اسلامی، در پی تبیین پیوستگی و تداوم جریان فکری ایرانی در گذار از دوران باستان به عصر جدید است.

سقوط حکومت ساسانی و گسست سیاسی ناشی از آن، به معنای انقطاع کامل فرهنگی و فکری نبود. برعکس، میراث عظیم فکری و اداری این دوره، به ویژه در قالب اندرزنامه‌ها، از مجاری مختلفی به جهان اسلام راه یافت. ترجمه گسترده متون پهلوی به عربی در سده‌های نخستین اسلامی، به ویژه توسط مترجمانی چیره‌دست، نقشی کلیدی در این انتقال ایفا کرد. این ترجمه‌ها که عمدتاً در دبیرخانه‌های دیوانی عصر عباسی صورت می‌گرفت، باعث آشنایی نویسندگان و اندیشمندان مسلمان با گنجینه‌ای از حکمت عملی و تجارب اداره کشور شد. آثاری همچون «خدای‌نامه»، «عهد اردشیر»، و «نامه تنسر» هسته اصلی اندیشه سیاسی و اخلاقی ساسانی را تشکیل می‌دادند. پژوهش‌های پیشین در این حوزه، اگرچه به بررسی تاریخی یا توصیف محتوای این اندرزنامه‌ها پرداخته‌اند، اما در زمینه تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها و ترسیم نقشه دقیق تأثیرگذاری‌شان بر متون دوره اسلامی، شکاف قابل توجهی وجود دارد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، در پی فهم فرآیندهای پیچیده انتقال، اقتباس، بازتفسیر و تلفیق این اندیشه‌ها در بستر جدید فرهنگی است، نه صرفاً دوگانگی میان تأثیر یک‌سویه و نفی کامل آن.

مؤلفه‌های ساختاری اندرزنامه‌های ساسانی از انسجام و تنوع قابل توجهی برخوردار است. این متون در قالب‌هایی همچون «عهد» (وصیت‌نامه‌های پادشاهان به جانشینان)، «نامه‌های سیاسی» (مکاتبات حکومتی)، «وصایا» (پندهای اخلاقی بزرگان) و «سیاست‌نامه‌ها»

تدوین می‌یافتند. هر قالب، منطق درونی خاص خود را داشت؛ برای مثال، قالب «عهد» مبتنی بر رابطه عمودی پادشاه-جانشین و حاوی دستورالعمل‌های کلان حکمرانی بود، در حالی که «نامه‌های سیاسی» ساختاری دیالکتیکی برای تبیین مواضع حکومتی داشتند. این تنوع، بیانگر نیازهای مختلف جامعه ساسانی به راهنمایی‌های عملی در سطوح گوناگون بود.

از منظر محتوایی، سه محور اصلی در کانون این متون قرار دارد: اخلاق فردی و اجتماعی، اصول حکمرانی و مدیریت دولتی، و مبانی تربیتی. محور اخلاقی بر راستی، میانه‌روی و وفاداری استوار بود. محور سیاسی-اداری بر عدالت به عنوان اساس حکومت، مشورت با خردمندان، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران و حفظ تمامیت ارضی تأکید می‌ورزید. محور تربیتی نیز بر اهمیت آموزش عملی و پرورش خرد عملی تکیه داشت. این سه‌گانه، هسته سخت «حکمت عملی» ایرانی را تشکیل می‌داد که هدف نهایی آن تربیت «انسان ایده‌آل» و «حاکم عادل» در چارچوب نظم اجتماعی بود.

تأثیر این منظومه فکری بر اندرزنامه‌های دوره اسلامی، فرآیندی پیچیده و تعاملی بود که از دو مجرای اصلی صورت پذیرفت: انتقال مستقیم و انتقال غیرمستقیم (اقتباس و تلفیق). در کانال مستقیم، متون پهلوی به عربی و فارسی برگردانده شدند. در کانال غیرمستقیم، نویسندگان مسلمان ایرانی، با الهام از ساختار و درون‌مایه متون ساسانی، آثاری خلق کردند که با ارزش‌ها و چارچوب‌های اسلامی آمیخته شد. آثاری مانند «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک طوسی، «قابوس‌نامه» عنصرالمعالی کیکاووس و «نصیحه‌الملوک» غزالی، نمونه‌های درخشان این فرآیند تلفیقی هستند. برای مثال، نظام‌الملک با حفظ ساختار روایی-تمثیلی مشابه ساسانی، اصولی مانند عدالت و شایسته‌سالاری را در قالبی اسلامی بازتعریف می‌کند.

با این حال، این انتقال هرگز تقلیدی منفعلانه نبود. نویسندگان مسلمان، با تکیه بر اصول بنیادین اسلام، به گزینش و بازتعریف مفاهیم ساسانی پرداختند. مفهوم «فرّه ایزدی» که مشروعیت شاه ساسانی را تضمین می‌کرد، در متون اسلامی به «تأیید الهی» برای حاکم عادل که بر اساس شریعت عمل می‌کند، تبدیل شد. همچنین پیوند دین و دولت که در «عهد اردشیر» توصیف شده بود، در چارچوب نظریه‌های «خلافت» در جهان اسلام بازتعریف گردید. این بازتعریف‌ها، نشان از پویایی ذهنیت ایرانی-اسلامی دارد که در عین حفظ عناصر هویت‌بخش پیشین، آن‌ها را در سیستم فکری جدیدی جای می‌دهد. هدف اصلی این پژوهش، استخراج و تحلیل این مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی در اندرزنامه‌های شاخص ساسانی و ردیابی بازتاب آن‌ها در نمونه‌های برجسته اسلامی است تا چگونگی تداوم و تحول این جریان فکری در گفتمان اخلاقی-سیاسی معاصر ایران قابل درک باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تاریخی اندرزنامه‌نویسی

اندرزنامه‌نویسی به عنوان یکی از کهن‌ترین سنت‌های ادبی-سیاسی ایران، ریشه در اندیشه حکومت‌داری و اخلاق عملی دارد که در عصر ساسانی به اوج شکوفایی خود رسید و سپس با تحولاتی ساختاری و محتوایی در دوره اسلامی تداوم یافت. این گونه ادبی، که در قالب وصایای حکومتی، نصایح اخلاقی و دستورالعمل‌های مدیریتی تدوین می‌شد، تجلی‌گر نظام فکری حاکم بر دوره ساسانی و حلقه اتصال آن با اندیشه سیاسی دوره اسلامی محسوب می‌شود. مبانی نظری اندرزنامه‌ها بر دو ستون اصلی استوار است: نخست، پیوند ناگسستنی دین و دولت که در آن شاه به عنوان نماینده اهورامزدا در زمین وظیفه حفظ دین و اجرای عدالت را بر عهده دارد (مسکویه، ۱۳۶۹: ۱۱۶۱). دوم، حکمت عملی که بر تجربه عملی و مدیریت امور مبتنی است و شاه را موظف می‌دارد تا با اتکا به خرد و مشورت وزیران کاردان، امور کشور را به بهترین شکل اداره کند (کریستنسن، ۱۳۸۵: ۵۰۹). این مبانی نظری در متونی چون «عهد اردشیر»، «نامه تنسر» و «یادگار بزرگمهر» تجلی یافته و شالوده حکومت‌داری ایران باستان را تشکیل می‌دهند.

پیشینه تاریخی اندرزنامه‌نویسی در ایران به دوران پیش از ساسانی بازمی‌گردد، هرچند نمونه‌های مکتوب کمی از آن دوره باقی مانده است. برخی پژوهشان ریشه این سنت را به دوره هخامنشی نسبت می‌دهند و معتقدند که دستورالعمل‌های داریوش در کتیبه‌های بیستون می‌تواند نخستین نمونه‌های اندرزنامه‌نویسی باشد (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۶۷). با این حال، دوره شکوفایی این نوع ادبیات به عصر ساسانی تعلق دارد که در آن با رسمی‌شدن زرتشتی به عنوان دین رسمی، اندرزنامه‌ها ابزاری برای ترویج آموزه‌های دینی و سیاسی شدند (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۵۰۶۷۳). در این دوره، اندرزنامه‌ها به شکل‌های مختلفی مانند «عهد» (وصیت‌نامه‌های شاهان به جانشینان)، «نامه‌های سیاسی» (مکاتبات بین شاهان و کارگزاران) و «اندرزهای حکیمانه» (سخنان حکیمان و وزیران) تدوین می‌شدند (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۸۶-۹۰). از مهم‌ترین آثار این دوره می‌توان به «خدای‌نامه» (تاریخ ایران از کیومرث تا خسرو پرویز)، «عهد اردشیر» (اصول حکمرانی اردشیر بابکان) و «یادگار بزرگمهر» (پندهای اخلاقی بزرگمهر بختگان) اشاره کرد که در آنها مفاهیمی چون عدالت، مشورت، شایسته‌سالاری و حفظ نظم اجتماعی محور اصلی اندرزها را تشکیل می‌دهد.

با ظهور اسلام و گسترش قلمرو مسلمانان، سنت اندرزنامه‌نویسی ایران باستان تحولاتی یافت، اما هسته اصلی آن حفظ شد. مترجمانی چون ابن مقفع با ترجمه متون پهلوی مانند «خدای‌نامه»،

«آیین‌نامه» و «نامه تسنیر»، این سنت را به دنیای اسلام معرفی کردند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۹۶-۹۳). این ترجمه‌ها که عمدتاً در دبیرخانه‌های دیوانی عصر عباسی انجام می‌شد، صرفاً یک فعالیت ادبی نبود، بلکه نیاز اداری حکومت‌های نوپای اسلامی به الگوهای کارآمد اداره قلمروی پهناور را پاسخ می‌گفت. برای نمونه، ترجمه «عهد اردشیر» که دربردارنده اصول جهلنداری و توصیه‌هایی برای حفظ پیوند ناگسستنی دین و دولت بود، به سرعت به متنی مرجع در میان وزیران و نویسندگان مسلمان تبدیل شد (عباس، ۱۳۴۸: ۲۷). این متن و مشابهات آن، مفاهیم بنیادینی مانند عدالت، مشورت، تجربه‌گرایی و شایسته‌سالاری را ترویج می‌کردند که با آموزه‌های اسلامی نیز هم‌خوانی داشت.

در دوره اسلامی، اندرزنامه‌ها با ترکیب آموزه‌های اسلامی و اندیشه سیاسی ایران، متونی جدید یافتند. آثاری چون «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک، «قابوس‌نامه» عنصرالمعالی و «نصیحه‌الملوک» غزالی، در واقع ادامه‌دهنده سنت اندرزنامه‌نویسی ساسانی با تلفیق با ارزش‌های اسلامی هستند. این متون ضمن حفظ ساختار و محتوای اندرزنامه‌های ساسانی، مفاهیمی چون عدالت، مشورت و حکمت عملی را در چارچوب جدیدی ارائه کردند که تأثیر عمیقی بر اندیشه سیاسی دوره اسلامی گذاشت. برای مثال، خواجه نظام‌الملک در «سیاست‌نامه» ضمن تأکید بر اصولی چون عدالت‌گستری و مشورت با خردمندان، به صراحت به پادشاهان ساسانی، به‌ویژه انوشیروان عادل، به عنوان الگوهای حکمرانی اشاره می‌کند و اندرزهای منسوب به ایشان را نقل می‌نماید (اکبری، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۷). این تأثیرپذیری تنها به سطح محتوایی محدود نمی‌شد، بلکه شامل الگوهای ساختاری، روش‌های استدلالی و حتی سبک‌های بیانی نیز می‌گردید. به‌طوری‌که می‌توان در ساختار «سیاست‌نامه» که در آن اصول حکمرانی از طریق حکایات تاریخی و روایات تمثیلی بیان می‌شود، الهام‌گیری مستقیم از اندرزنامه‌های ساسانی را مشاهده کرد.

فرآیند انتقال و تأثیرگذاری اندرزنامه‌های ساسانی بر دوره اسلامی، تنها یک‌سویه و منفعل نبود، بلکه با گزینش، نقد و بازتعریف مفاهیم صورت گرفت. نویسندگان مسلمان، آن دسته از آموزه‌های ساسانی را که با اصول بنیادین اسلام، مانند توحید، نبوت و معاد، ناسازگار می‌دیدند، کنار گذاشتند یا بازتفسیر کردند. برای مثال، مفهوم «فرّه ایزدی» که در اندیشه سیاسی ساسانی جایگاهی اساسی داشت، در دوره اسلامی به «تأیید الهی» برای حاکم عادل تبدیل شد. همچنین، پیوند نهاد دین و دولت که در «عهد اردشیر» به صورت «دو برادر همزاد» توصیف شده بود، در متون اسلامی در چارچوب نظریه «خلافت» یا «امامت» بازتعریف گردید (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۴). این تطبیق و بازآفرینی، نشان‌دهنده پویایی فرهنگ ایرانی است که توانست در بستری جدید،

عناصر هویت‌بخش خود را حفظ کند و هم‌زمان با نظام فکری اسلام تلفیق نماید. در نهایت، مبانی نظری و پیشینه تاریخی اندرزنامه‌نویسی نشان می‌دهد که این سنت ادبی-سیاسی، پلی ارتباطی میان اندیشه سیاسی پیش از اسلام و دوره اسلامی بوده است. اندرزنامه‌های ساسانی با ارائه الگوهای ساختاری و محتوایی منسجم، نه تنها در شکل‌گیری ادبیات اخلاقی و سیاسی ایران اسلامی مؤثر بوده‌اند، بلکه به عنوان یک الگوی ماندگار در نظام فکری و سیاسی ایرانیان پس از اسلام نیز باقی مانده‌اند. این تداوم، اگرچه با تحولات معنایی همراه بوده، اما حاکی از پیوستگی فرهنگی و تداوم هویت سیاسی ایران در گذار از عصر باستان به دوران اسلامی است.

۳- حوزه و قلمروی اندرزنامه‌ها

در خصوص این که اصولاً اندرزنامه‌ها، چه حوزه و گستره‌ای را در بر می‌گیرند می‌توان گفت که آنها شامل: تنظیم زندگی فردی، امور خانوادگی و اجتماعی، تعلیم اخلاقی و دینی و دستور سیاسی در دادپروری و دولت‌مداری و حکمرانی می‌شوند. گرچه نظام تعلیم اندرزنامه متمایز از فلسفه اجتماعی و سیاسی است، اما پیوستگی آن با تعقل مدنی را نمی‌توان یکسره انکار داشت، به تعبیر دیگر، فکر پندنامه‌ها وجهه نظر کلی را نسبت به بنیادهای اصلی مدنی، خانواده و اخلاق و دیانت و سیاست کمابیش منعکس می‌دارد (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۱). اندرزها از آن‌رو که مطالب اخلاقی جامعه را بازتاب می‌دهند و معرف اندیشه، گفتار و کردار مردم در گذشته‌های دورند، زمینه مساعدتری برای شناخت باورهای نخستین جامعه ایرانی به دست می‌دهند و گویای این واقعیت آشکار نیز هستند که ایرانیان به ویژه در دوره ساسانی به سخنان و نوشته‌هایی با مضمون اخلاقی و اجتماعی دلبستگی فراوان داشته‌اند. به این نکته نیز باید توجه داشت که آثار دوره ساسانی، از همه نوع و در همه‌ی مضامین، غالباً مبتنی بر کتاب دین، یعنی «اوستا» بوده و آنچه در آثار فارسی میانه بازتاب یافته یا عین عبارت‌ها و جمله‌های «اوستا» است یا ترجمه و شرح و تفسیر آن و اگر امروز جای پای نوشته‌های ساسانی را در کتاب اوستا نمی‌بینیم، به آن سبب است که اوستای موجود، اوستای اصلی نیست، بلکه جزئی از اوستای دوره‌ی ساسانی است که مفسران دین و موبدان یا آنها را در یاد داشته و راوی شفاهی آنها بوده‌اند یا در اوستای مکتوب آن دوره بدان دسترسی داشته‌اند (میرفخرایی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

اندرزنامه‌ها حاصل تجارب قرون متمادی زندگی انسان و برخورد او با روزگاران و حاصل نگرش و استنباط او از هستی است. گروهی از این اندرزنامه‌ها به گونه‌ای مستقل تدوین یافته‌اند. مانند: یادگار بزرگمهر، گروهی در حیطه متون دینی، تاریخی، حماسی، فلسفی قرار دارند.

مانند دینکرد، گزیده‌های زاداسپرم، مینوی خرد. گروهی دیگر از این اصول اخلاقی بر اوستا استوارند یعنی سبک نگارش آنها به متون اوستایی نزدیک‌ترند در حالی که گروه دیگری ممکن است از آراء و نظرات فلسفه و فرزندگان ایرانی باشند (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

۴- انواع و اقسام اندرزنامه‌ها

اندرزنامه‌های ایرانی به عنوان یکی از گونه‌های مهم ادبیات تعلیمی، از تنوع و غنای ساختاری قابل توجهی برخوردارند. این متون در دوره ساسانی به اوج شکوفایی رسیدند و در دوره اسلامی نیز با حفظ ساختار اصلی و تلفیق با آموزه‌های اسلامی، تداوم یافتند. انواع اندرزنامه‌ها را می‌توان بر اساس قالب، مخاطب و محتوای آنها دسته‌بندی نمود. یکی از مهم‌ترین انواع این متون، کتب اخلاقی هستند که شامل مجموعه‌ای از تعالیم، امثال و حکم اخلاقی گردآوری شده از دوران کهن می‌شوند. این آثار معمولاً بدون نظم و ترتیب مشخصی تدوین شده و در قالب «کتب الادب» شناخته می‌شوند. برای نمونه، کتاب «عیون الاخبار» ابن قتیبه از این جمله است (بصیری، ۱۳۹۳: ۵۱). همچنین آثاری مانند «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی و «اخلاق جلالی» جلال‌الدین دوانی در این حوزه قرار می‌گیرند. نوع دوم، وصایا هستند که به صورت مضامین حکمت‌آمیز و نصایح اخلاقی از سوی پادشاهان یا بزرگان ساسانی در بسترهای مختلف مانند وصیت به جانشینان نقل شده‌اند. از جمله این متون می‌توان به «اندرزنامه آذرباد مهرسپندان» خطاب به پسرش زرتشت اشاره کرد (محمدی ملایری، ۱۳۸۵: ۲۸۳/۴).

این سنت در دوره اسلامی نیز با آثاری مانند «قابوس‌نامه» عنصرالمعالی تداوم یافت. دسته سوم، عهود نام دارند که شامل دستورها و توصیه‌های پادشاهان ساسانی به جانشینان یا کارگزاران حکومتی در مورد آیین کشورداری و اصول حکمرانی است. «عهد اردشیر» از مشهورترین نمونه‌های این نوع است که در منابع اسلامی نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است (احسان عباس، ۱۳۴۸: ۲۷). مورخانی مانند مسعودی و ابن طقطقی به عهود دیگری مانند «عهد شاپور» و «عهد قبادیه» اشاره کرده‌اند (بصیری، ۱۳۹۳: ۵۴). نوع چهارم، نامه‌ها هستند که در قالب مکاتبات بین پادشاهان، وزیران یا بزرگان با مخاطبان خاص نوشته می‌شدند و حاوی اندرزهای سیاسی و اخلاقی بودند. از جمله این نامه‌ها می‌توان به «نامه تنسر» به گشنسب‌شاه طبرستان و نامه‌های اردشیر بابکان اشاره کرد (وثوقی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

این نامه‌ها اغلب در منابع تاریخی اسلامی مانند آثار مسعودی و جهشیاری ثبت شده‌اند. خطابه‌های تاجگذاری نیز یکی از انواع مهم اندرزنامه‌ها به شمار می‌روند. پادشاهان ساسانی در

مراسم تاجگذاری خطبه‌هایی ایراد می‌کردند که مشتمل بر مضامین اخلاقی، پند و توصیه‌های حکومتی بود. برای نمونه، دینوری بخش‌هایی از خطابه هرمزد پسر انوشیروان را نقل کرده است (بصری، ۱۳۹۳: ۵۷). در نهایت، سیاست‌نامه‌ها یا «سیرالملوک»‌ها قرار دارند که به طور خاص به مسائل حکومتداری و هدیریت سیاسی می‌پردازند. این آثار با نام‌هایی چون ارشادنامه، نصیحه‌الملوک و آئینه شاهی نیز شناخته می‌شوند. «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک و «پندنامه بزرگمهر» از نمونه‌های شاخص این دسته هستند. این متون اغلب با نقل حکایات و روایات تاریخی همراه بوده و به منظور راهنمایی حاکمان و کارگزاران تدوین می‌شدند. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که اندرزنامه‌ها تنها به یک شکل ثابت محدود نبوده، بلکه در قالب‌های گوناگون و با کارکردهای متنوعی پدید آمده‌اند. این تنوع، نشان‌دهنده عمق و غنای سنت اندرزنامه‌نویسی در تمدن ایرانی و تأثیر پایدار آن در ادوار مختلف تاریخی است.

۵- نگاهی به مهمترین اندرزنامه‌های عصر ساسانی

اندرزنامه‌های عصر ساسانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی ادبیات تعلیمی و سیاسی ایران باستان، نقش بسزایی در شکل‌دهی به منظومه فکری و اخلاقی این دوره ایفا کرده‌اند. این متون که در قالب‌های گوناگونی همچون عهد، نامه‌ها، وصایا و سیاست‌نامه‌ها تدوین شده‌اند، نه تنها بازتاب‌دهنده اصول حکمرانی و اخلاق اجتماعی در عصر ساسانی هستند، بلکه به‌عنوان حلقه اتصال فرهنگی به دوره اسلامی نیز عمل کرده‌اند. در این بخش، مهمترین اندرزنامه‌های این دوره شامل خدای‌نامه، تاج‌نامک، آیین‌نامک، یادگار بزرگمهر، عهد اردشیر و نامه‌های سیاسی شاهان ساسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۵-۱- خدای‌نامه (خودای‌نامک)

خدای‌نامه را می‌توان مهمترین اثر تاریخی-ادبی عصر ساسانی دانست که هم به عنوان منبعی برای تاریخ ایران پیش از اسلام و هم به عنوان اثری اندرزی مورد توجه قرار گرفته است. این کتاب که به زبان پهلوی و در اواخر دوره ساسانی توسط موبدی دانشور تدوین شد، تاریخ ایران را از دوره کیومرث تا خسرو دوم (پرویز) در بر می‌گرفت (تفضلی، ۱۳۷۶: ۷۱). عنوان خدای‌نامه برگرفته از واژه «خوتای» به معنای شاه بوده که پس از اسلام به «شاهنامه» تغییر یافت (مشکور، ۱۳۵۲: ۱۴). محتوای این اثر تنها به روایت تاریخ محدود نبوده، بلکه شامل خطبه‌های تاجگذاری، وصایای پادشاهان و اندرزهای اخلاقی-سیاسی نیز می‌شده است. به عنوان مثال، خطبه‌های جلوس شاهان در خدای‌نامه همواره با ستایش خداوند، سپاس از نعمت‌های او و پیمان بستن

برای پیروی از دین و داد آغاز می‌شده که نشان‌دهنده پیوند ناگسستنی سیاست و دیانت در این دوره است (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۵۰۶). ترجمه خدای‌نامه به عربی توسط ابن‌مقفع با عنوان «سیرالملوک العجم» نقش کلیدی در انتقال محتوای این اثر به جهان اسلام ایفا کرد. این ترجمه نه تنها منبع اصلی تاریخ‌نگاران اسلامی مانند طبری و مسعودی بود، بلکه در شکل‌دهی به ادبیات سیاسی دوره اسلامی نیز تأثیر گذاشت (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۳). فردوسی نیز در سرودن شاهنامه از خدای‌نامه بهره برد و بسیاری از مضامین اخلاقی و سیاسی آن را در اثر خود بازتاب داد.

۵-۲- تاج‌نامک (تاج‌نامک):

تاج‌نامک از دیگر آثار مهم عصر ساسانی است که به آیین مملکت‌داری و رسوم درباری اختصاص داشته است. این اثر شامل نطق‌ها، دستورها و فرمان‌های شاهان ساسانی بوده و به عنوان راهنمای عملی برای شاهزادگان و کارگزاران حکومتی مورد استفاده قرار می‌گرفت (بیات، ۱۳۶۳: ۱۵۹). برخلاف تصور عمومی، تاج‌نامک عنوان یک کتاب واحد نبوده، بلکه اشاره به دسته‌ای از کتاب‌ها دارد که در موضوعات مشابه تألیف می‌شدند (محمدی ملایری، ۱۳۸۵: ۲۱۱). محتوای این آثار شامل تعلیمات مربوط به امور سلطنت، آیین‌های درباری، شرح حال شاهان و پندهای حکیمانه برای اداره مملکت بوده است. ترجمه عربی تاج‌نامک با عنوان «التاج» نیز توسط ابن‌مقفع انجام شد و در منابع اسلامی مانند الفهرست ابن‌نديم از آن یاد شده است (ابن‌نديم، ۱۳۶۶: ۹۶). این اثر به دلیل تمرکز بر آیین‌های شاهی و اصول حکمرانی، الگویی برای آثاری مانند سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی فراهم آورد.

۵-۳- آیین‌نامک (آیین‌نامک)

آیین‌نامک را می‌توان دایره‌المعارفی از فرهنگ، اخلاق، آداب و رسوم ایرانیان در عصر ساسانی دانست. این اثر شامل موضوعات متنوعی از جمله آیین‌های رزم و بزم، آداب اجتماعی، جشن‌های ملی مانند نوروز و مهرگان، سخنان بزرگان و حتی بازی‌ها و ورزش‌ها بوده است (کریستین سن، ۱۳۷۰: ۱۰۱). مسعودی در مروج‌الذهب از آیین‌نامک به عنوان کتابی بزرگ شامل چندین هزار ورق یاد کرده که تنها در اختیار موبدان و صاحبان مقامات عالی رتبه قرار داشته است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۹۸). ترجمه این اثر به عربی نیز توسط ابن‌مقفع انجام شد و در ادبیات عصر عباسی بازتاب گسترده‌ای یافت. آیین‌نامک نه تنها منبعی برای شناخت فرهنگ ایرانی بود، بلکه در شکل‌دهی به ادبیات آدابی در جهان اسلام نیز نقش ایفا کرد.

یادگار بزرگمهر از جمله اندرزنامه‌های مشهور عصر ساسانی است که به بزرگمهر بختگان، وزیر خردمند خسرو انوشیروان، منسوب شده است. این اثر حاوی پندها و اندرزهای اخلاقی درباره ناپایداری امور گیتی، ارزش پارسایی و کردار نیک است (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۲۳۹). محتوای یادگار بزرگمهر بازتاب‌دهنده بینش فلسفی و اخلاقی حاکم بر دوره ساسانی است که بر پایه خرد عملی و تجربی استوار شده است. این اثر در دوره اسلامی نیز شهرت یافت و در متونی مانند جاودان خرد مسکویه بازتاب پیدا کرد. بزرگمهر در فرهنگ ایرانی به عنوان نماد خرد و فرزاندگی شناخته می‌شود و اندرزهای او همواره مورد توجه ادیبان و حکیمان اسلامی قرار گرفته است.

۵-۵- عهد اردشیر

عهد اردشیر از مشهورترین اندرزنامه‌های سیاسی عصر ساسانی است که به اردشیر بابکان، بنیانگذار این سلسله، منسوب شده است. این اثر دربردارنده اصول و آیین حکمرانی است که اردشیر برای جانشینان خود بیان کرده است. دینوری در اخبار الطوال می‌نویسد: «اردشیر پیمانی برای پادشاهان پس از خود نوشت و لنان همواره به آن پایبند بودند» (دینوری، ۱۳۶۴: ۴۸). محتوای عهد اردشیر بر پیوند دین و دولت، عدالت‌ورزی و مشورت با خردمندان تأکید دارد. ترجمه عربی این اثر در دوره اموی انجام شد و در دوره عباسیان به ویژه در عهد مأمون مورد توجه قرار گرفت. عهد اردشیر در آثار مورخان و لندیشمندان اسلامی مانند طبری، مسعودی، غزالی و ابن طقطقی بازتاب یافته است (مرسل‌پور، ۱۳۹۱: ۹۷). فردوسی نیز در شاهنامه به این اثر اشاره کرده و بخش‌هایی از آن را به نظم درآورده است.

۵-۵- نامه‌های سیاسی شاهان ساسانی

نامه‌های سیاسی از دیگر نمونه اندرزنامه‌های عصر ساسانی هستند که به صورت مکاتبات بین شاهان، کارگزاران و فرمانروایان مناطق مختلف نوشته می‌شدند. از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه‌های اردشیر بابکان، نامه تنسر به گشنسب‌شاه طبرستان و نامه خسرو انوشیروان اشاره کرد. نامه تنسر را می‌توان یکی از مهمترین اسناد سیاسی این دوره دانست که در آن، تنسر، موبد بزرگ عصر اردشیر، به توجیه و تبیین مبانی حکومت ساسانی می‌پردازد (کریستین‌سن، ۱۳۷۰: ۶۴). محتوای این نامه‌ها عمدتاً شامل توصیه‌های سیاسی، اخلاقی و اداری برای اداره مملکت بوده است. این نامه‌ها در دوره اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفتند و در آثار نویسندگانی مانند

مسعودی و جهشیاری نقل شده‌اند. نامه تنسر به عربی ترجمه شد و در شکل دهی به اندیشه سیاسی در دوره اسلامی نقش ایفا کرد.

۶- تأثیرگذاری اندرزنامه‌ای دوره ساسانی بر دوره اسلامی

بی‌تردید، یکی از جریان‌های فکری-ادبی عمیق‌و اثرگذار در تاریخ ایران، سنت اندرزنامه‌نویسی است که در عصر ساسانی به اوج شکوفایی رسید و با فرآیند گذار به دوره اسلامی، نه تنها از میان نرفت، بلکه به‌عنوان میراثی زنده و پویا، بنیادهای ادبیات اخلاقی و سیاسی ایرانِ دوران اسلامی را شکل داد. تأثیرگذاری اندرزنامه‌های دوره ساسانی بر متون هم‌سان در دوره اسلامی، پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که از طریق مکانیسم‌های گوناگون انتقال، اقتباس و بازآفرینی محقق شد. این فرآیند، تنها به انتقال مفاهیم محدود نبود، بلکه شامل الگوهای ساختاری، روش‌های استدلالی و حتی سبک‌های بیانی نیز می‌گردید. یکی از مهم‌ترین کانال‌های این انتقال، نهضت ترجمه متون پهلوی به عربی در سده‌های دوم و سوم هجری بود. مترجمانی چیره‌دست همچون ابن مقفع، با ترجمه آثاری مانند «خدای‌نامه» (به عربی: سیرالملوک)، «نامه تنسر»، «عهد اردشیر» و «آیین‌نامک»، گنجینه‌ای از حکمت عملی ایران باستان را در اختیار متفکران و ادیبان مسلمان قرار دادند (ابن‌ندیم، ۱۳۶۶: ۹۳-۹۶). این ترجمه‌ها، که عمدتاً در دبیرخانه‌های دیوانی عصر عباسی انجام می‌شد، صرفاً یک فعالیت ادبی نبود، بلکه نیاز اداری حکومت‌های نوپای اسلامی به الگوهای کارآمد اداره قلمروی پهناور را پاسخ می‌گفت. برای نمونه، ترجمه «عهد اردشیر» که دربردارنده اصول جهاننداری و توصیه‌هایی برای حفظ پیوند ناگسستنی دین و دولت بود، به‌سرعت به متنی مرجع در میان وزیران و نویسندگان مسلمان تبدیل شد (عباس، ۱۳۴۸: ۲۷). این متن و مشابهات آن، مفاهیم بنیادینی مانند عدالت، مشورت، تجربه‌گرایی و شایسته‌سالاری را ترویج می‌کردند که با آموزه‌های اسلامی نیز هم‌خوانی داشت.

فرآیند تأثیرپذیری تنها به ترجمه مستقیم محدود نمی‌شد، بلکه اقتباس غیرمستقیم و بازآفرینی خلاقانه ایده‌ها در قالبی نوین را نیز دربرمی‌گرفت. نویسندگان مسلمان ایرانی، با تسلط بر هر دو میراث فکری ایرانی و اسلامی، به خلق آثاری دست زدند که در عین بهره‌گیری از ساختار و درون‌مایه اندرزنامه‌های ساسانی، با ارزش‌ها و چارچوب‌های جهان‌بینی اسلامی آمیخته شده بود. «سیاست‌نامه» خواجه نظام‌الملک طوسی نمونه‌ای درخشان از این دست است. این اثر، با الهام از الگوهای کهن ایرانی «سیرالملوک» نویسی، به ارائه رهنمودهایی برای حکمرانی مطلوب می‌پردازد. تأکید او بر عدالت گستره، انتصاب کارگزاران صالح، مشورت با خردمندان و

پاسداری از مرزها، همگی بازتابی از آموزه‌های مشابه در متونی مانند «نامه تنسر» و «عهد اردشیر» است (اکبری، ۱۳۸۶: ۲۵-۲۷). خواجه نظام‌الملک در مواضع متعددی، صراحتاً به پادشاهان ساسانی، به‌ویژه انوشیروان عادل، به عنوان الگوهای حکمرانی اشاره می‌کند و اندرزهای منسوب به ایشان را نقل می‌نماید.

«قابوس‌نامه» اثر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر نیز از این حیث قابل تأمل است. این اثر، که در قالب وصیت‌نامه‌ای از پدر به پسر نگاشته شده، به‌وضوح ادامه‌دهنده سنت «وصایا» در ادبیات ساسانی است. ساختار کتاب که به آموزش اخلاق فردی، آداب اجتماعی، هنر حکمرانی و حتی مهارت‌های عملی زندگی می‌پردازد، یادآور آثاری مانند «زادان فرخ فی تأدیب ولده» از دوره ساسانی است (عنصرالمعالی، ۱۳۷۴: ۴). محتوای «قابوس‌نامه» آمیزه‌ای است از خرد عملی ایرانی و تربیت اسلامی که نشان می‌دهد چگونه یک قالب ادبی کهن، می‌تواند محملی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی در دوره‌ای جدید باشد.

«نصیحه‌الملوک» امام محمد غزالی نیز، اگرچه رنگ و بویی عرفانی-کلامی دارد، از این تأثیرپذیری مستثنی نیست. غزالی در این اثر، ضمن ارائه تعالیم اخلاقی و سیاسی بر اساس منابع اسلامی، از اندیشه‌های سیاسی ایرانی نیز بهره برده است. برای نمونه، مفهوم «عدل» به عنوان اساس حکومت، که در اندرزنامه‌های ساسانی بر آن تأکید فراوان شده بود، در اثر غزالی نیز جایگاهی محوری دارد. او نیز همانند خواجه نظام‌الملک، به نقل حکایات و پندهای منسوب به پادشاهان ساسانی، به ویژه انوشیروان، می‌پردازد و آن‌ها را برای حاکمان مسلمان قابل تأمل می‌داند.

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تلفیق میراث ساسانی و اسلامی، کتاب «جاودان خرد» اثر ابوعلی مسکویه است. مسکویه در این اثر، گزیده‌ای از حکمت‌های ملل مختلف از جمله ایران، یونان، هند و عرب را گرد آورده است. بخش ایرانی این کتاب، مشتمل است بر ترجمه‌های عربی متون پهلوی، از جمله سخنان منسوب به آذرباد مارسپندان، بزرگمهر بختگان و خسرو انوشیروان (ملایری، ۱۳۸۵: ۴/۲۹۷-۳۱۲). اهمیت «جاودان خرد» در این است که به‌صورت ملموسی نشان می‌دهد چگونه گوهر حکمت عملی ایران باستان، عیناً و با کم‌ترین دخل و تصرف، به‌عنوان بخشی از خرد جاویدان بشری در ادبیات اسلامی جذب شده است.

فرآیند انتقال و تأثیرگذاری، همواره یک‌سویه و منفعل نبوده، بلکه همراه با گزینش، نقد و بازتعریف مفاهیم صورت گرفته است. نویسندگان مسلمان، آن دسته از آموزه‌های ساسانی را که با اصول بنیادین اسلام، مانند توحید، نبوت و معاد، ناسازگار می‌دیدند، کنار گذاشتند یا بازتفسیر

کردند. برای مثال، مفهوم «فرّه ایزدی» که در اندیشه سیاسی ساسانی جایگاهی اساسی داشت، در دوره اسلامی به «تأیید الهی» برای حاکم عادل تبدیل شد. همچنین، پیوند نهاد دین و دولت که در «عهد اردشیر» به صورت «دو برادر همزاد» توصیف شده بود، در متون اسلامی در چارچوب نظریه «خلافت» یا «امامت» بازتعریف گردید (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۴). این تطبیق و بازآفرینی، نشان‌دهنده پویایی فرهنگ ایرانی است که توانست در بستری جدید، عناصر هویت‌بخش خود را حفظ کند و هم‌زمان با نظام فکری اسلام تلفیق نماید.

علاوه بر متون متثور، تأثیر اندرزنامه‌های ساسانی بر ادبیات منظوم فارسی نیز انکارناپذیر است. شاهنامه فردوسی، که خود ریشه در «خدای‌نامه» ساسانی دارد، سرشار از اندرزهای سیاسی و اخلاقی است که پادشاهان و پهلوانان به یکدیگر یا به جانشینان خود می‌دهند. خطابه‌های پادشاهان در آستانه تاجگذاری یا بستر مرگ، وصیت‌های پدران به پسران و پندهای وزیران خردمند به پادشاهان، همگی ادامه همان سنت اندرزگویی ساسانی در قالب حماسی-اسطوره‌ای هستند. برای نمونه، اندرزهای انوشیروان به هرمز یا پندهای بزرگمهر، از بخش‌های درخشان و آموزنده شاهنامه به شمار می‌روند.

این تأثیر در دوره‌های متأخرتر نیز تداوم یافت. آثاری مانند «اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی، «اخلاق محسنی» کاشفی سبزواری و «اخلاق جلالی» جلال‌الدین دوانی، اگرچه در چارچوب فلسفه اخلاق اسلامی نوشته شده‌اند، اما از حکمت عملی ایرانی نیز بهره برده‌اند. حتی در دوره قاجار، آثاری مانند «تحفه الملوک» سیدجعفر کشفی یا «شیم عباسی» محمدصادق وقایع‌نگار، وام‌دار همان سنت سیاست‌نامه‌نویسی هستند که ریشه در عصر ساسانی دارد (رحمانیان، ۱۳۸۸: ۹-۱۰).

در نتیجه، تأثیرگذاری اندرزنامه‌های دوره ساسانی بر دوره اسلامی، پدیده‌ای عمیق، گسترده و پایدار بود. این تأثیر از دو مجرای اصلی ترجمه مستقیم و اقتباس خلاقانه صورت پذیرفت و حاصل آن، خلق آثاری شد که در آن‌ها، خرد عملی ایران باستان با معارف اسلامی درآمیخت. این فرآیند نه تنها در غنای ادبیات اخلاقی و سیاسی ایران اسلامی نقش اساسی داشت، بلکه عاملی مهم در تداوم هویت فرهنگی ایران در گذار از عصر باستان به دوران اسلامی بود. اندرزنامه‌های ساسانی، به‌عنوان حاملان ارزش‌ها و تجارب زیسته یک تمدن کهن، توانستند در پوششی نو به حیات خود ادامه دهند و بخشی جدایی‌ناپذیر از اندیشه سیاسی و اخلاقی در تمدن اسلامی-ایرانی شوند.

پژوهش حاضر در راستای تحقق هدف اصلی خود، یعنی «تبیین چگونگی نفوذ و تداوم ساختارها و مضامین کلیدی اندرزنامه‌های دوره ساسانی در ادبیات سیاسی و اجتماعی دوران کنونی»، با تحلیل دقیق و مستند منابع اولیه و ثانویه، به نتایج قطعی و تأثیرگذاری دست یافت. این نتایج نشان داد که سنت اندرزنامه‌نویسی ساسانی صرفاً مجموعه‌ای از پندهای اخلاقی ایستا نبوده، بلکه یک نظام فکری کارکردی بوده است که به مثابه ستون فقرات اخلاق حکمرانی در ایران باستان عمل کرده و از طریق مکانیسم‌های پیچیده‌ای توانسته است میراث خود را تا گفتمان سیاسی معاصر منتقل سازد.

از منظر ساختاری، تنوع قالب‌های اندرزنامه‌های ساسانی شامل «عهد»، «نامه‌های سیاسی» و «وصایا» الگویی انعطاف‌پذیر از تنظیم روابط عمودی قدرت (حاکم و محکوم) و افقی جامعه را بنیان نهاد که این الگوهای ساختاری، با تغییراتی ظاهری، در قالب «سیاست‌نامه‌ها» و «نصیحت‌نامه‌های» دوره‌های متأخر اسلامی بازتولید شدند. این امر بیانگر آن است که ساختار، پیش از محتوا، به عنوان یک الگوی بوروکراتیک و تربیتی در اندیشه سیاسی ایرانی باقی ماند.

از منظر محتوایی، سه مفهوم بنیادین «عدالت شاهانه»، «مشورت با خردمندان» و «تنظیم امور دولتی - خانوادگی»، هسته سخت حکمت عملی ساسانی را تشکیل دادند. همان‌گونه که در بخش‌های تحلیلی مقاله استدلال شد، تبدیل مفهوم ساسانی «فره ایزدی» به «تأیید الهی» در چارچوب اسلامی، نشان‌دهنده بازآفرینی معنایی است، نه صرفاً جایگزینی؛ به این معنا که مشروعیت قدرت، همواره نیازمند پیوند با یک عنصر ماورائی و اخلاقی بوده است، که این پیوستگی در تداوم تاریخی هویت ایرانی، نقشی اساسی ایفا نموده است.

تداوم تاریخی این میراث، فراتر از حوزه ادبیات، به گفتمان سیاسی معاصر ایران راه یافته است. تأکید بر نظم اجتماعی مبتنی بر انتظام تحت امر حاکم و انتظارات رفتاری از کنشگران سیاسی، ریشه در همین آموزه‌های ساسانی دارد که از طریق واسطه‌های اسلامی (مانند ترجمه‌های ابن مقفع و آثار خواجه نظام‌الملک طوسی) تصفیه و بازتفسیر شده‌اند. این پژوهش با عبور از دوقطبی‌های رایج در تحقیقات پیشین (تأکید صرف بر اصالت اسلامی یا اصالت ایرانی)، نشان داد که فرآیند انتقال فرهنگی در این حوزه، پدیده‌ای تعاملی، گزینشی و غنی‌ساز بوده است؛ ایرانیان در دوران اسلامی با حفظ عناصر هویت‌بخش اندرزنامه‌های ساسانی، آن‌ها را در سیستم فکری جدیدی جای داده و از این رهگذر، هویت فکری خود را در گذار تاریخی حفظ کرده‌اند.

در نهایت، این مقاله استدلال می‌کند که درک عمیق میراث ساسانی در ادبیات تعلیمی، کلیدی ضروری برای تحلیل پویایی‌های اخلاقی - اجتماعی و فهم ریشه‌های تاریخی برخی نظریه‌های

حکمرانی در گفتمان سیاسی کنونی ایران است. گسست‌های سیاسی حکومت‌ها، هرگز نتوانسته است پیوستگی‌های بنیادین فکری حامل میراث ادبی را از میان ببرد و اندرزنامه‌های ساسانی، به عنوان حاملان نخستین حکمت عملی ایرانی، همچنان در تار و پود ادبیات اخلاقی و سیاسی این سرزمین حضوری تعیین‌کننده دارند.

الف) کتب

- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). الفهرست، مترجم محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲). بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران: سمت.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۴). اخبار الطوال، مترجم صادق نشأت، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر.
- عباس، احسان (۱۳۴۸). عهد اردشیر، مترجم محمدعلی امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملی.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۷۴). قابوس نامه، مصحح غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فیرحی، داود (۱۳۸۲). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نشر نی.
- کریستنسن، آرتور (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان، مترجم رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۸۵). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عهد ساسانی به عصر اسلامی، ج ۴، تهران: توس.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۵). التنبيه و الاشراف، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۶۹). تجارب الامم، مترجم ابوالقاسم امامی، تهران: امیرکبیر.
- نولدکه، تئودور (۱۳۷۸). تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، مترجم عباس زریاب خویی، تهران: انجمن آثار ملی.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۷). بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران: دانشگاه پیام نور.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۳). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.

اکبری، امیر (۱۳۸۶). «تأثیر نگرش های باستانی بر اندیشه های سیاسی عصر خواجه نظام الملک»، مجله علمی پژوهشی تاریخ، دوره ۴ (شماره ۷)، دانشگاه آزاد محلات، صص ۹-۳۴.

بصیری، محمدصادق (۱۳۹۳). «حکمت عملی بن مایه ادبیات پایداری»، نشریه ادبیات پایداری (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، دوره ۶ (شماره ۱۰)، صص ۱۴۳-۱۲۱.

تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۳). «اندرزنامه نویسی ایرانی: سخنرانی در بزرگداشت دکتر غلام حسین صدیقی»، مجله حافظ، شماره ۴، صص ۴۶-۴۱.

مرسل پور، محسن (۱۳۹۱). «بازیابی اندرزهای اردشیر ساسانی در تاریخ فخری»، مجله تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)، صص ۸۹-۱۰۰.

مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). «خدای نامه»، مجله بررسی های تاریخی، سال هشتم (شماره ۶)، صص ۲۸-۱۱.